

برنامه‌ریزی‌ها با در نظر گرفتن حساسیت جنسیتی

نابرابری در دسترسی به منابع و امکانات، از مباحثی است که مورد توجه سازمان ملل قرار گرفته و آمارهای مختلفی تنظیم شده که نشان‌دهنده این تفاوت آشکار است. تنها با پرداختن به برخی از آمارهای موجود در مورد وضعیت زنان و مردان در جهان، می‌توان شرایط زندگی آنها را نشان داد:

- ۶۷ درصد از ساعات کاری جهان متعلق به فعالیت‌های اقتصادی زنان است.

- زنان ۱۰ درصد از درآمد جهان را کسب می‌کنند.

- با آنکه زنان درصد بالایی از کارها را انجام می‌دهند، از لحاظ مالکیت تنها مالک یک درصد از دارایی‌های جهان هستند.

- بی‌سوادی در زنان بیشتر از مردان است و حدود دو سوم از بی‌سوادان جهان را زنان تشکیل می‌دهند.

- با در نظر گرفتن ساعات کاری زنان در محیط کار و در محیط خانه، می‌توان گفت که زنان در یک روز به اندازه دو روز کار می‌کنند.

- در نهایت، زنان که تقریباً یک سوم از نیروی کار رسمی کشورها را تشکیل می‌دهند، نه تنها به سوی مشاغل کم‌درآمدتر جامعه رانده می‌شوند و در برابر بیکاری آسیب‌پذیرتر از مردان هستند، بلکه به صورت معمول به ازای انجام کار مشابه با مردان، فقط معادل سه چهارم دستمزد آنان را دریافت می‌کنند (تورس، ۱۳۷۸، ص ۹-۱۰).

با نگاهی به آمار فوق، مشخص می‌شود که زنان از منابع کمیاب اجتماعی، یعنی ثروت، قدرت و اعتبار اجتماعی، دور نگه داشته شده‌اند و قادر نیستند که از امکانات جامعه خود بهره‌کافی گیرند.

آمار و ارقامی مشابه آنچه ارائه شد و نیز شرایط عینی زندگی در جوامع مختلف، باعث شد که سازمان‌های بین‌المللی توجه خود را به مفاهیم جدیدی مانند جنسیت و تحلیل جنسیتی معطوف کنند و در برنامه‌ریزی‌های خود هدف‌هایی مانند حساسیت جنسیتی را مورد توجه قرار دهند. در توجه به مسائل اجتماعی با تأکید بر جنسیت، دیگر صرفاً به مسائل زنان در جامعه پرداخته نمی‌شود، بلکه بیشتر از آن متوجه ساخت اجتماعی جنسیت و تلقی جامعه از نقش و مسئولیت و انتظاراتی است که جامعه از زنان و مردان دارد (همان: ۱۱۷). در نتیجه، سعی بر این است که با توجه به ساختار اجتماعی جنسیت، راه برای تحلیل جنسیتی باز و در برنامه‌ریزی‌های دولتی، حساسیت جنسیتی در نظر گرفته شود.

مفاهیم به کار گرفته شده در این برنامه‌ریزی‌ها جدیدند و حول محور جنسیت می‌چرخند. تحلیل جنسیتی عبارت از ابزاری است که برای تشخیص پایگاه، نقش و مسئولیت‌های مردان و زنان در جامعه به کار گرفته می‌شود و چگونگی دسترسی آنان را به منابع، منافع و فرصت‌های زندگی مدنی مشخص می‌کند. در مرکز توجه تحلیل جنسیتی، معمولاً فهرستی از حوزه‌های فعالیت زنان و مردان قرار دارد که این فهرست، بهره‌گیری و امتیازات زنان را در برابر مردان در زمینه‌های گوناگون، مانند خانواده، کار، جامعه و نظام سیاسی، مطرح می‌کند (همان: ۶۳). از طریق به‌کارگیری این فهرست‌ها که در شکل‌های مختلف تنظیم شده‌اند، می‌توان مشخص کرد که بهره‌ هر یک از دو جنس از منابع و امکانات جامعه خود چقدر است و یا تا چه میزان از دسترسی به منابع و امکانات دور نگه داشته شده‌اند.

حساسیت جنسیتی به این معناست که دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی‌های دولتی این توانایی را داشته باشند که نابرابری‌های جنسیتی را در حوزه‌های مختلف، به‌خصوص تقسیم کار و دستیابی به منافع، تشخیص دهند (نقش زنان در توسعه، ۱۳۷۲: ۱۳) و این تلقی را در برنامه‌ریزی‌های خود مدنظر قرار دهند.

طبیعتاً به دلیل جدید بودن این مفاهیم و همچنین کمبود تجربه در زمینه برنامه‌ریزی‌های حساس به جنسیت، باید توجه کرد که در اکثر برنامه‌ریزی‌های کشوری و در سازمان‌های مختلف، نکات فوق‌العمل شود. ایجاد و پیاده کردن چارچوب جنسیتی در طرح و اجرای برنامه‌های کشوری، احتیاج به تلاش و کوشش فراوان دارد. اعضاء مختلف سازمان‌ها و افراد تصمیم‌گیرنده و مجری باید به تفکر در مورد جنسیت تشویق شوند و آموزش‌های لازم را برای شناخت این مفاهیم کسب کنند. با کسب اطلاعات در این زمینه می‌توان امید داشت که در برنامه‌ریزی‌ها، حساسیت جنسیتی نیز مدنظر است. راهبردهای مختلفی برای ایجاد حساسیت جنسیتی در نظر گرفته می‌شود تا از طریق به‌کارگیری آنها، بتوان مسئله جنسیت را نیز در برنامه‌ریزی‌ها در نظر داشت. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان اظهار کرد که در برنامه‌ریزی‌های حساس به جنسیت این نکات باید مورد توجه قرار گیرند:

۱. توجه به نیازهای عملی جنسیت که از واقعیات عینی شرایط زندگی در جامعه نشأت می‌گیرد. توجه به این نیازها باعث می‌شود مشکلاتی که در راه استفاده از منابع و امکانات اجتماعی برای افراد وجود دارد، از میان برده شود. این فعالیت‌ها که بیشتر جنبه‌های اجرایی دارند و لازم است مورد توجه خاص قرار گیرند، عبارتند از:

- تأسیس مهدکودک برای مادران شاغل
- سوادآموزی زنان
- ایجاد واحدهای تولیدی مربوط به زنان

- حمایت‌های مالی از زنان (صندوق وام و...)
- قبول نقش‌های چندگانه زنان در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از طریق قانون

۲. مسئله دیگری که در برنامه‌ریزی‌های حساس به جنسیت باید مورد توجه قرار گیرد، مربوط به بُعد باورها، آداب و رسوم، سنت‌ها و نگرش‌های جامعه و چگونگی امکان تغییر آنها است. به عبارت دیگر، در این بخش از برنامه‌ریزی باید به نقش‌های جنسیتی یا رفتارها و نگرش‌هایی که برای مردان و زنان در فرهنگی خاص مناسب تلقی می‌شوند (گولومبوک، ۱۳۷۸: ۱۱) و کلیشه‌های جنسیتی که اطلاعاتی قالبی را در مورد زنان و مردان جامعه مطرح می‌کنند، توجه داشت. برای تغییر و از میان بردن کلیشه‌های سنتی، توجه به این نکات ضرورت دارد (همان: ۷۹-۹۲):

- تأثیر هنجارهای اجتماعی بر تفاوت‌های نقش‌های زنان و مردان
- ضرورت اقدام جهت ریشه‌کن کردن نابرابری جنسیتی
- از میان بردن الگوها و کلیشه‌های سنتی
- آموزش جهت تغییر نگرش‌های سنتی
- آموزش مفاهیم اساسی جنسیت به اعضای جامعه (مفاهیمی مانند مشارکت در امور خانه و همچنین تصمیم‌گیری مشارکتی در خانواده)
- تأکید بر نقش‌های اجتماعی امروزی زنان
- نوآوری در نقش‌های سنتی زنان و مردان
- ارائه تصویر جدیدی از زن در رسانه‌های جمعی

در برنامه‌ریزی‌های حساس به جنسیت، از یک سو بر ایجاد شرایط عینی مناسب برای زن و مرد و در عین حال بر نیازهای خاص زنان در جامعه و امکانات شغلی او تأکید می‌شود. از سوی دیگر، جنبه‌های نگرشی موجود در جامعه هم، مورد توجه قرار می‌گیرد، زیرا نگرش‌هایی که از سالیان گذشته به جوامع امروزی رسیده، باعث تثبیت تفکرات قالبی یا کلیشه‌های جنسیتی در مورد زنان و مردان جامعه شده است. هر دو فعالیت باید هم‌زمان و همراه با یکدیگر صورت گیرد. ایجاد شرایط عینی مناسب، تا زمانی که نگرش جامعه تغییر نیافته است، ثمربخش نخواهد بود و دگرگونی در نگرش جامعه نیز بدون توجه به شرایط عینی جامعه و آماده‌سازی امکانات، به نتیجه مطلوب نخواهد انجامید.

برگرفته از کتاب: دگرگونی در نقش زنان

نویسنده: دکتر شهلا اعزازی